

ارائه تسهیلات به مشاغل فرهنگی و هنری آسیب دیده

کسب و کارهای فرهنگی هنری آسیب دیده در بحران کرونا تسهیلات دریافت می کنند. رئیس گروه طرح و برنامه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی با اشاره به اینکه تمام کسب و کارهای فرهنگی و هنری استان که در بحران کرونا آسیب دیده‌اند می توانند برای دریافت تسهیلات در سامانه کارا ثبت نام کنند گفت: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به ثبت نام کسب و کارهای فرهنگی هنری به شدت آسیب دیده در بحران کرونا برای دریافت تسهیلات در سامانه کارا اقدام کرده است. از این رو سامانه https://corona-kara.mcls.gov.ir/ برای ثبت تقاضای تسهیلات معرفی شده و رشته های کسب و کارهای آسیب دیده در سامانه تعریف شده است که متقاضیان باید هنگام تقاضا رشته فعالیت خود را انتخاب کنند.

مهدی یونسی خاطر نشان کرد: کسب و کارهای دارای کد کارگاه تأمین اجتماعی (بنگاه رسمی) و متقاضیان بدون کد بیمه و خویش فرمایی می توانند ثبت نام و تسهیلات دریافت کنند.

او با بیان اینکه ۲۰ بانک و موسسه مالی برای دریافت تسهیلات متقاضیان در سامانه معرفی شده‌اند گفت: متقاضیان به محض دریافت پیامک بر اساس کد ملی، باید فرایند ثبت نام و ارائه مشخصات اولیه را تکمیل کنند. اطلاعات ثبت شده به بانک های عامل ارسال خواهد شد و مراحل پرداخت تسهیلات آغاز می شود.

یونسی درباره شرایط استفاده از این تسهیلات برای متقاضیان دارای کد کارگاهی نیز توضیح داد: فعال بودن کسب و کارها و استفاده نکردن از بیمه بیکاری از سال گذشته تاکنون از شرایط دریافت تسهیلات است. مبلغ تسهیلات برای واحدهای تعطیل شده اجباری مبلغ ۱۶ میلیون تومان و برای واحدهای کسب و کار تعطیل نشده به ازای هر فرد شاغل ۱۲ میلیون تومان است. همچنین برای اشخاص حقیقی خویش فرما یا خوداشتغالی ۶۰ میلیون ریال، برای واحدهای کسب و کارهایی که امکان اثبات رابطه کارفرما کارکن وجود ندارد صرفا به کارفرما مبلغ ۶۰ میلیون ریال و برای واحدهای کسب و کاری که امکان اثبات رابطه کارفرما-کارکن وجود دارد به ازای هر شاغل ۸۰ میلیون ریال پرداخت می شود.

رئیس گروه طرح و برنامه اداره کل ارشاد استان با اشاره به اینکه وثیقه های دریافتی از سوی بانک برای کسب و کارها متفاوت و با ارائه سفته معرفی ضامن خواهد بود، یادآور شد: سود تسهیلات ۱۲ درصد و دوره بازپرداخت پس از یک دوره تنفس، از مهر ۱۳۹۹ در ۲۴ قسط پیش بینی شده است. متقاضیان برای اطلاع از شیوه نامه ها و وثیقه های لازم می توانند به سایت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مراجعه کنند.

«عصر جدید» تعطیل شد

استودیو برنامه تلویزیونی «عصر جدید» از ۱۹ تیر تا اطلاع ثانوی تعطیل شده و ضبط ادامه قسمت های دور دوم فصل جدید به آینده موکول شده است. به گزارش خبرگزاری مهر، قسمت های اول و دوم از دور دوم این رقابت، اوایل تیر و پیش از دستورالعمل وزارت بهداشت مبنی بر استفاده اجباری از ماسک در تمام مکان های مسقف و عمومی ضبط شده که یک قسمت روز گذشته روی آنتن رفت و قسمت دوم امشب از شبکه سه سیما پخش خواهد شد. قسمت های سوم و چهارم از دور دوم هم، با رعایت تمام موازن بین بهداشتی اعم از ضد عفونی کردن کامل لوکیشن، حفظ فاصله فیزیکی بین تماشاگران و استفاده همگان از ماسک در تمام ساعات حضور در استودیوی برنامه و هنگام ضبط، تولید شده که هفته آینده پخش خواهد شد. بدین ترتیب، از پنجشنبه ۱۹ تیر تا اطلاع ثانوی، ضبط برنامه متوقف شده و استودیو تعطیل است.

انتشار فراخوان المپیاد فیلم سازی نوجوانان کشور

فراخوان چهارمین المپیاد فیلم سازی نوجوانان کشور در دو بخش «ایده» و «فیلم» منتشر شد. این المپیاد ۲۷ مهر تا ۲۲ آبان ۱۳۹۹ همزمان با سی وسومین جشنواره بین المللی فیلم های کودکان و نوجوانان برگزار خواهد شد. «چهارمین المپیاد فیلم سازی نوجوانان ایران» دارای دو بخش ایده (طرح اولیه فیلم نامه است که شخصیت اصلی و کشمکش اصلی آن تعریف شده باشد و دارای آغاز، میانه و پایان باشد) و فیلم کوتاه (فیلم هایی با زمان حداکثر ۵ دقیقه که بعد از سال ۱۳۹۷ تولید شده باشند) خواهد بود. بنابراین فراخوان نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ سال (یعنی متولدین ۳۰ مرداد ۱۳۸۲ تا ۳۰ مرداد ۱۳۸۷) واجد شرایط برای شرکت در این رویداد هستند. آخرین مهلت ثبت نام در سایت و ارسال آثار نیز ۵ شهریور ۱۳۹۹ خواهد بود.

نام فیلم	شبکه	ساعت
وال ای	امید	۹
بازداشتگاه شماره ۱۷	چهار	۱۰:۳۰
مخمصه	نمایش	۱۱
کاغذهای رنگی	نمایش	۱۳
چراغ گمشده	کودک	۱۴
مکاتبه	نمایش	۱۵
ماجرایوبان	نمایش	۱۷
جیرو ربات انسان نما	امید	۱۷:۴۵
شمال از شمال غربی	نمایش	۱۹
غریبه	نمایش	۲۱
زندگی پی	نمایش	۲۳

گزینه ای از فیلم های سینمایی شبکه های مختلف صدا و سیما که امروز ۲۲ تیر روی آنتن تلویزیون می روند.

مشکل اصلی سینما بازیگران هستند



سید امیر سیدزاده تهیه کننده مشهور سینما که سال گذشته فیلم «زیست» ساخته محمدرضا لطفی را در جشنواره فیلم فجر داشت و فیلم «تدفین» محمد تنابنده را نیز آماده تولید آثار سینمایی اش توضیح داد: سریال «هیاهو» اران دارد، در گفت وگو با هنرآنلاین درباره وضعیت تولید آثار سینمایی اش توضیح داد: سریال «هیاهو» رادر دست تولید دارم که یک کار مشترک با عباس رافعی است. سریالی که محصول مشترک ایران و ترکیه خواهد بود و با توجه به تمهیدات لازم به زودی وارد مرحله پیش تولید می شویم. این سریال در ۲۰ قسمت نوشته شده و به زودی با بازیگران ترکیه و ایران

وارد مذاکره می شویم. سریال دیگرم «بازی خانه» نام دارد که علی ژکان مشغول نگارش فیلم نامه آن است و با توجه به اینکه صدور مجوز ساخت سریال از ارشاد به صداوسیما انتقال داده شده است اکنون منظر تشکیل شورای صدور پروانه ساخت در سازمان هستیم تا بتوانیم مجوز ساخت این سریال را بگیریم. او همچنین خاطر نشان کرد پروژه سینمایی



«بی اجازه حرف زن» به کارگردانی رسول صانعی را نیز در دست دارم که نگاه کمدی و فانتزی به مکتب داعش دارد. سیدزاده درباره بازیگران این فیلم سینمایی گفت: در حال مذاکره با چند بازیگر هستیم. اما این کار بسیار پیچیده شده است و به دلیل پرداخت رقم های آنچنانی دستمزدها بسیار بالا رفته است و معضل اصلی سینما در این روزها، بازیگر شده است. آنچه شمایی خواهید به تعداد انگشتان یک دست

امیرمنصور رحیمیان

لا بد از هنر پیشه ها، این حرف را در گفت وگوهایشان شنیده اید: «همه چیز از تئاتر شروع می شود و تئاتر مادر همه هنرهای نمایشی است.»

تئاتر روح هنرهای نمایشی است. یک طور کارخانه شخصیت پردازی و شناخت خود است. مثل زندگی می ماند. اصلا خود زندگی است. شکسپیر نمایش نامه نویس مشهور هم در جایی گفته است: «دنیا صحنه نمایشی بیش نیست! که مردان و زنان بازیگران آن هستند.» گاهی به آدم سخت می گیرد و گاهی آرزوهایت را بریاد می دهد و گاهی در جدال با اراده قوی، مجش می خوابی. یکی از آن آدم هایی که توانست با اراده قوی و پیدا کردن راه خود، مچ زندگی را بخواباند، «حمید سمندریان» بود. مردی که نهم اردیبهشت سال ۱۳۰۹ در تهران به دنیا آمد و بیست و دوم تیر سال ۱۳۹۱ پا از میانه کشید. ولی در این مدت آدم های زیادی را تربیت و زیبایی و تفکر را به روح آدم های دیگر ارزانی کرد. او مترجم و کارگردانی توانا بود که نسل طلایی تئاتر را تربیت کرد. سمندریان بدون شک یکی از ارکان و شالوده های هنر تئاتر و تئاتر پیشرو در ایران بود. بسیاری از کارگردانان توانا و نام آشنای امروز و بازیگران معروف پرده نقره ای به طور مستقیم و غیر مستقیم شاگردان او بوده اند و سر کلاس او نشسته اند. یکی از شاگردان او که اتفاقا از کارگردانان کاربلد و استاد دانشگاه است، «محمود رضا رحیمی» است. که سال ۱۳۴۸ در مشهد متولد شده است و در کارنامه هنری او کارگردانی، نویسندگی و بازیگری تئاتر و نیز تالیف چندین کتاب درباره هنرهای نمایشی به چشم می خورد. به مناسبت سال مرگ حمید سمندریان، سראغی از رحیمی گرفتیم تا برایمان از تجربه دوستی و همکاری اش با سمندریان بگوید.

- تعریف کنید آشنایی تان**

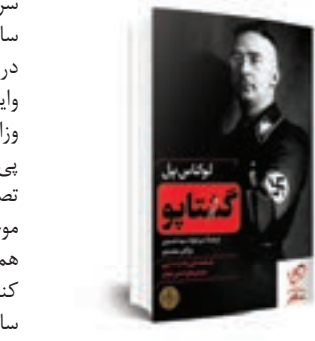
با استاد سمندریان چطور و کی اتفاق افتاد و از ایشان چه تأثیری گرفتید؟
استاد سمندریان تا آنجایی که می دانیم چندان رغبتی به کار کردن نمایش نامه های ایرانی نداشت و از کارهای درام نویسان فرنگی استفاده می کرد. این در حالی است که شما طرز برخوردتان با نمایش های ایرانی چندان همسو با ایشان نیست. تابستان سال ۱۳۶۸ بود

در فیلم ها آنان مردانی با بارانی های چرمی سیاه رنگ بودند که نیمه های شب به درها می کوبیدند و هر کسی که جرئت کرده بود رایش سوم را تهدید کند، توقیف می کردند. تصویر واقعی سازمان گشتاپو به طرز اجتنابناپذیری از افسانه آن پیچیده تر است. افراد گشتاپو هر چند اغلب تنها به خودشان و سرپرست مستقیم خویش پاسخ گو بودند، جذا از یکدیگر نیز کار نمی کردند. اس اس و گشتاپو اغلب باهم یکی گرفته می شوند، جای تعجب هم ندارد، زیرا آن ها در طول جنگ همکاری نزدیکی با یکدیگر داشتند اما گشتاپو دقیقا از چه کسانی تشکیل شده بود؟ نقش آنان در رژیم نازی چه بود و چرا این گونه قهرمند، مؤثر و هراس آور بودند؟

کتابخوان

محسن موسوی زاده
m.mousavizadeh@shahranews.ir

در فیلم ها آنان مردانی با بارانی های چرمی سیاه رنگ بودند که نیمه های شب به درها می کوبیدند و هر کسی که جرئت کرده بود رایش سوم را تهدید کند، توقیف می کردند. تصویر واقعی سازمان گشتاپو به طرز اجتنابناپذیری از افسانه آن پیچیده تر است. افراد گشتاپو هر چند اغلب تنها به خودشان و سرپرست مستقیم خویش پاسخ گو بودند، جذا از یکدیگر نیز کار نمی کردند. اس اس و گشتاپو اغلب باهم یکی گرفته می شوند، جای تعجب هم ندارد، زیرا آن ها در طول جنگ همکاری نزدیکی با یکدیگر داشتند اما گشتاپو دقیقا از چه کسانی تشکیل شده بود؟ نقش آنان در رژیم نازی چه بود و چرا این گونه قهرمند، مؤثر و هراس آور بودند؟



سر کوب مخالفان می پرداخت. این سازمان در سال ۱۹۳۳ به دستور هیتلر و از میان درس خواندگان و نیروهای امنیتی جمهوری وایمار تشکیل شد. این سازمان در آغاز زیر نظر وزارت کشور فعالیت می کرد. در سال ۱۹۳۶ در پی لایحه ای که در مجلس آن زمان آلمان تصویب شد، گشتاپو از رعایت تمامی قوانین موجود معاف شد. هر کسی که کارت گشتاپو را به همراه داشت می توانست در هر کاری دخالت کند و هیچ دادگاهی شکایت علیه افراد این سازمان را نمی پذیرفت. در اوایل کار، این سازمان



داده شد.

این موضوع برمی گردد به بحث نظارت های غیر تخصصی. به نظر من علوم انسانی و اجتماعی در مملکت ما یک چیز دو دستی و ساده است. نقص هایی هم که از بابت همین سهل انگاری پیدا شده است را همین الان هم در جامعه می توانیم ببینیم. این به نظر من هیچ ربطی به سیاست ندارد. خود تئاتری ها زیر پای یکدیگر را خالی می کنند و برای هم می زنند. از آن طرف هم نظارت غیر تخصصی، آفت جان هنر و به خصوص هنر نمایش است. این هم در هر دوره ای و هر زمانی بوده است. به نظرم مفهوم تئاتر برای همه جانیفته است. ما مشکلاتمان از آنجایی شروع می شود که در مفاهیم با هم مسئله پیدا می کنیم. این موضوع مفاهیم، تا آنجایی پیش رفت که حتی نمایش نامه «دایره کچی قفقازی» را می خواست به نویسنده ای بدهد، تا نسخه ایرانی اش را بنویسد. ولی به نتیجه نرسید.

- شما در همین کار «دایره گچی قفقازی» دستیار سمندریان بوده اید. اول اینکه چطور می شود با آن سن و سال دستیار بزرگ ترین کارگردان نمایش شد و دوم نسخه ای که شما کار کردید، نسخه اصلی بود یا تغییر کرده است؟**

آن کار اصل نمایش نامه بود که ترجمه خود استاد بود. شعرهای این مجموعه را هم فروغ فرخزاد تنظیم کرده بود. اینجا می خواهم از کار دیگری که استاد در آن مهارت داشت، صحبت کنم و آن این بود که کار را از یک تئاتر با سبک و سیاق معیار می برد به سمت آموزش. به این صورت که اعتقاد داشت همه نسل ها باید بتوانند در نمایش باهم همراه باشند. یک هنر جو و یک هنر پیشه قدیمی، در کنار هم انرژی و تجربه را به نمایش می گذارند. بیشتر اجراهای استاد، کلاس آموزش بود.
- برای من خیلی جذاب است با کسی صحبت می کنم که شخصیت استاد سمندریان را از نزدیک لمس کرده است و فارغ از چیزهایی که تا امروز در موردش نوشته اند و خوانده ایم، می تواند نظری بدهد که جنبه شخصی هم داشته باشد. چقدر نظرات خودتان در این صحبت ها دخیل بوده است؟**

من از جایی که ایستادم استاد را می بینم و قاعدا علاوه بر شخصیت اصلی او مقداری هم نظرات شخصی خودم را بازگو می کنم. یعنی این چیزی است که من در حمید سمندریان دیده ام. ولی من با دلیل و مدرک در تمام آثار ایشان، می توانم ثابت بکنم که او آموزش را سرلوحه کارش قرار داده بود. چیزی که آموزش را تسهیل می کند جمع کردن یک گروه خوب است. ما برای کار گروهی در تئاتر، هنوز با معضلات جدی روبه رو هستیم. چون حامی مالی و گردش مالی نداریم. سمندریان زمان پهلوی دنبال راه انداختن یک کمپانی تئاتر بود. کاری که آدم های معطش در گو شه و کنار دنیا انجام داده بودند. اما به او اجازه

پیام آوران مرگ

مروری بر کتاب «گشتاپو» نوشته لوکاس پل

از حدود ۵۰ نفر تشکیل شده بود، این رقم تا پایان حکومت هیتلر به ۳۰۰۰۰ نفر رسید که از جاسوس ها و افراد اداری تشکیل شده بودند. به گفته نویسنده، برخلاف تصور رایج، گشتاپو را تنها نازی هایی متعصب وفادار به هیتلر تشکیل نداده بودند و در این سازمان طبقه متوسط تحصیل کرده که به دنبال پیشرفت در رده های دولتی بودند نیز نقش پررنگی داشتند. یکی از جذاب ترین بخش های این کتاب نشان دادن رویارویی گشتاپو با نیروهای مقاومت در کشورهای تحت اشغال آلمان نازی است. در آن زمان یکی از سازمان یافته ترین جنبش های مقاومت که در فرانسه تشکیل شده بود، ارتش سری تحت رهبری «ژنرال شارل دولتن» بود. این گروه حمایت چشمگیری از انگلیس دریافت می کردند. تهدید ارتش سری برای آلمان به حدی بود که «کلوس یاری» معروف به قصاب لیون مأموریت داشت تا با آن ها مقابله کند.